

فرار به جلو با حمله به واقعیت

چرالوایسان از افشاگری عراقچی عصبانی شدند؟

گفت‌وگوی صریح و بی‌پرده سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه با جواد موگویی، فارغ از حواشی مربوط به دسترسی‌های اطلاعاتی ویژه برنامه ساز، یک نقطه عطف در گفت‌مان رسمی کشور محسوب می‌شود.
رویداد ۲۴ نوشت: عراقچی در این مصاحبه دست روی زخمی گذاشت که مدت‌هاست بر بیکر امنیت ملی کشور وارد شده؛ اواز «وجود حفره‌های امنیتی» سخن گفت. حفره‌هایی که به اذعان صریح وزیر خارجه نه‌تنها به نشت اطلاعات منجر شده، بلکه در «جهت‌دهی به تصمیم‌سازی‌ها» و «فضای روانی مسئولان» نیز نقش ایفا می‌کنند. اما پاسخ طیف رادیکال و تندرو به این آسیب‌شناسی مسئولانه، هجماه‌ی سنگین، هماهنگ و پرچم‌علیه عراقچی بود.
تندروها که ظاهراً بیان حقیقت برایشان تلخ‌تر از واقعیت‌های موجود است، به جای خشمگین شدن از اصل وجود نفوذ، از بیان و اعتراف به آن برآشفته‌اند و تمام توان خود را به کار گرفته‌اند تا واقعیت‌های ملموس را پشت اتهام‌زنی‌های سیاسی پنهان کنند. تا کجا می‌توان سرزیر پرک رفت؟

◀ **از صداسیما تا رسانه‌های کوچک ۸۸۰**
حمله به وزیر خارجه از همه جناح‌های این طیف، از صداسیما گرفته تا فعالان فضای مجازی و رسانه‌های رسمی کلید خورده است. سید مهدی خانعلی‌زاده، مجری صداسیما، با اتخاذ تندترین مواضع، وزیر خارجه را به خودسری متهم کرد و مدعی شد که سیدعباس عراقچی در سفر به عمان به صورت شخصی و هماهنگ نشده پیشنهاد داده تا یک دالان میانی بدون مدیریت هیچ کشوری در تنگه هرمز برای عبور کشتی‌ها باز شود که در حکم نقض جدی حاکمیت ملی ایران بود، اما تهران وقتی از این مسئله باخبر شد با آن مخالفت کرد. از سوی دیگر، الهام ستاری، فعال اصولگر، در یادداشتی با عنوان «از روایت تا خوراک راهبردی» مدعی شد سخنان عراقچی نقضه نقاط کور دفاعی را در اختیار دشمن قرار داده است. او تأکید کرد وقتی عراقچی از حفره‌ای امنیتی سخن می‌گوید که هنوز برطرف نشده و بر فضای روانی کشور اثر می‌گذارد، عملاً نقضه نقاط کور دفاعی را در اختیار تحلیلگران دشمن قرار می‌دهد. او همچنین با حمله به سازندگان مستند، پرسید چطور هر مستندی از موگویی و مشقمدری منتشر می‌شود، خوراک بیگانگان را راحت جلوی دستشان می‌گذارد و کسی این‌ها را ندارد؟ در ادامه این حملات، محمد خوش چشم، کارشناس صداسیما، با ادبیاتی کم‌سابقه تحلیل‌های دیپلمات ارشد کشور را به تحلیل‌های راننده تاکسی‌ها تشبیه کرد و گفت: این حرف که اگر ۱۰ روز زودتر آتش بس می‌شد لایزانه‌ی و خطیب و همه زنده بودند، یعنی باید در اسفند هرچه آمریکا می‌خواست و ۴ تا جزیره هم می‌دادیم تا همه زنده باشند که باین منطق اگر خوزستان را هم به صدام داده بودیم جنگ تحمیلی هشت ساله، آنقدر طول نمی‌کشید. مسعود فروغی، قائم‌مقام مدیرمسئول روزنامه فرهیختگان، سخنان عراقچی را غیرمستولانه و ضدوحدت خواند.

◀ **پیام عراقچی**

در مقابل این هجوم همه‌جانبه و سازمان‌یافته، برخی از تحلیل‌گران مستقل و ناظران سیاسی، صداقت و شجاعت عراقچی در طرح این موضوع حیاتی را ستودند و آن را هشداری دلسوزانه برای نجات کشور دانستند. احمد زیدآبادی، تحلیل‌گر سیاسی، با استقبال ویژه از این اظهارات در کانال تلگرامی خود نوشت که این جملات مهم‌ترین، درست‌ترین و ترسناک‌ترین جملاتی است که از ابتدای انقلاب تاکنون به زبان یک مقام بلندپایه کشور جاری شده است. روح... جمع‌های، فعال رسانه‌ای نیز در شبکه اجتماعی ایکس تأکید کرد که اشاره آقای عراقچی مبنی بر وجود یک حفره امنیتی در تورور رهبر شهید و فرماندهان نظامی و احتمال فعال بودن این حفره به‌ویژه تأثیر آن در تصمیم‌سازی‌ها با تأکید بر جهت‌دهی به فضای روانی مسئولان، یک هشدار جدی و دلسوزانه است. قربانعلی صلواتیان، فعال رسانه‌ای اصولگرا نیز ابعاد این خطر را فراتر خواند و نوشت: آنچه دکتر سیدعباس عراقچی حفره امنیتی نامید، واقعاً سیاهچاله است که امنیت کشور را می‌بلعد. او تأکید کرد نبرد با این پدیده و غلبه بر آن کمتر از نبرد با آمریکا و اسرائیل نیست.

◀ **هراس از افشای واقعیت؟**

واقعیت آن است که خشم جریان رادیکال از عراقچی، نه از سر نگرانی برای امنیت ملی، بلکه حاصل فرار از مسئولیت و ترس از رو شدن دست‌های پشت‌پرده است. وقتی وزیر امور خارجه صراحتاً می‌گوید نفوذ فقط نشت اطلاعات نیست، بلکه جهت‌دهی به تصمیمات و بازی با فضای روانی مسئولان است، به شکل ضمنی به جریان‌هایی اشاره می‌کند که با تصمیمات تند و محاسبات اشتباه، کشور را به سمت هزینه‌های سنگین سوق داده‌اند؛ تندروهایی که سال‌ها هرگونه نقد، تحلیلی خلاف میل خود یا آسیب‌شناسی ساختاری را سانسور کرده‌اند، امروز از اینکه یک مقام رسمی حقیقت روی داده را جار زده، برآشفته‌اند.

«آرمان ملی» آستانه نقد‌پذیری در جامعه را بررسی می‌کند

بی‌عدالتی با عادل!

◀ **فردوسی پور: همه امکانات در اختیار شماس‌ت؛ یک رسانه را نمی‌توانید تحمل کنید؟** ▶ **علی تاجرنیاد** در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: نقد اثرگذار تحمل نمی‌شود



برنامه خود داشت و همزمان با صحبت‌های وی برنامه فوتبال ۳۶۰ نیز که به روال هر شب آماده پخش زنده می‌شد با مشکلاتی مواجه و از دسترس خارج گردید. عادل فردوسی‌پور تهیه‌کننده و مجری این برنامه دلیل این اتفاق را یک اقدام خودجوش می‌کند، اما متأسفانه چندی است مد شده هر انتقادی را بسان تخریب می‌گیرند و بر همین مبناراه را بر نوع انتقادی بسته‌اند. در حالی که میان انتقاد تا تخریب تفاوت بسیار است و نتیجه هم یکی نیست. هر چند که هر اندازه آداب نقد و یادآوری می‌شود به همان اندازه نقد‌پذیری و آستانه نقد‌پذیری هم مطرح است. اینکه طرف نقد شوند بدون گارد انتقادات را بشنود و پاسخ قانع‌کننده دهد نه اینکه صرفاً با توجیهات، فرافکنی و فرار به جلو از پاسخ به انتقادات فرار کند. از طرفی رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی در جایگاه مطالبه‌گری قرار دارند ولذا هر کس هر مسئولیتی بپذیرفت یا در هر جایگاهی نشست باید بدون هیچ محدودیتی پاسخگوی رسانه‌ها باشد.

◀ **آستانه تحمل**

شامگاه دوشنبه بود که همزمان با سایر

برنامه‌های ورزشی از جمله فوتبال برتر در شبکه ۳ سیما که امیر قلعه‌نوینی سرمربی تیم ملی فوتبال را به عنوان میهمان در

«آرمان ملی» مقاله وزیر خارجه دولت روحانی را در فارین افرز بازخوانی می‌کند

عبارات ظریف برای توصیف جنگ

پیشنهادهای مطرح شده این است که مدیریت آبراه از طریق

همکاری کشورهای ساحلی خلیج فارس و در چارچوب حقوق بین الملل سامان یابد. یکی از محورهای اصلی مقاله، نقش اسرائیل در استمرار تنش‌هاست. ظریف معتقد است، دولت‌های مختلف اسرائیل همواره با تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا مخالفت کرده‌اند و با اقدامات خود مانع شکل‌گیری توافقی‌های پایدار شده‌اند. از دید او، اگر واشنگتن واقعاً خواهان صلح باشد، باید فشار بیشتری بر اسرائیل وارد کند. از دیدگاه او منطقه نباید امنیت خود را بر پایه حضور و مداخله قدرت‌های خارجی استوار سازد و برای رسیدن به استقلال در این زمینه بسیار حساس می‌توان اعتمادسازی و همکاری متقابل، ایجاد ساختارهای امنیتی و اقتصادی مشترک را در دستور کار قرار داد. او تعریف سازوکار گفت‌وگوهای مستقیم و ایجاد کنسرسیوم مشترک برای برنامه‌های هسته‌ای و حتی صندوق توسعه غرب آسیا و گسترش زیرساخت‌های دیجیتال را پیشنهاد می‌دهد.

◀ **ارزش سخنان عراقچی**

مقاله قبلی ظریف در این رسانه جنجال زیادی ایجاد کرد. آیا این مقاله نسبتاً مفصل هم همان واکنش‌ها را برمی‌انگیزد؟ چرا مخالفان ظریف نتوانستند از این زاویه به مقاله ظریف نگاه کنند که او به عنوان دیپلمات شناخته شد، می‌تواند دیدگاه‌های تخصصی خود را ابراز کند و هیچ کس در عالم پیدا نمی‌شود که دیدگاه‌های مطرح شده را موضع رسمی کشور بداند. کشور چند راه در مقابل خود می‌دید و بر متخصصان است که سود و زیان هر یک از مسیرهای مقابل کشور را بررسی کنند. اگر ظریف به عنوان یک دیپلمات با تجربه که میزان پایبندی او به منافع ملی بر کسی پوشیده نیست، نتواند در این زمینه اظهار نظر کند، دیگر چه کسی می‌تواند در این زمینه‌ها اظهار تخصصی حرف بزند؟ البته تفاوت ظاهراً در همان تلقی از منافع ملی است. یکی از تندروها در واکنش به مقاله قبلی ظریف نوشت: محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران اخیراً مقاله‌ای را در فارن افرز منتشر کرده است. متن این مقاله به گونه‌ای است که اگر اسم نویسنده را حذف کنیم، مخاطب نمی‌تواند تشخیص دهد که نویسنده مقاله، یک ایرانی است یا یک آمریکایی! چراندروها چنان برآشفته شدند که نتوانستند به این بدیهیات توجه کنند؟ آیا سخنان اخیر سیدعباس عراقچی در توضیح سازوکار رسیدن به تصمیم‌های کلان در کشوری می‌تواند تندروها را قانع آرام کند؟ اگر چنین باشد، سخنان عراقچی بسیار ارزشمند بوده است.

در حالی که مقامات عالی‌رتبه‌اش ترور شده‌اند، تداوم رهبری را حفظ کرده... ایرانیان یک دستاورد تاریخی از مقاومت را رقم زده‌اند». شاید آنچه که از دیدگاه مخالفان ظریف در آن مقاله حساسیت برانگیز تلقی شد، جمله‌ای بود مبنی بر اینکه: «ایران باید از برتری خود نه برای ادامه جنگ، بلکه برای اعلام پیروزی و دستیابی به توافقی استفاده کند که درگیری را پایان دهد و از جنگ بعدی جلوگیری کند». در نهایت می‌توان گفت پیام اصلی مقاله او این بود که بدون پذیرش نقش مشروع ایران در معادلات منطقه و جایگزینی دیپلماسی به جای تقابل، دستیابی به صلح و ثبات پایدار در خاورمیانه ممکن نخواهد بود.

◀ **استدلال ظریف**

ظریف در مقاله‌ای که اخیراً در فارین افرز منتشر کرده، استدلال می‌کند که ادامه روبروایی نظامی بین ایران و آمریکا به سود هیچ یک از طرفین نیست و تنها راه پایان دادن به چرخه بحران، بازگشت به دیپلماسی و طراحی نظم امنیتی جدید در غرب آسیا است؛ نظمی که بر همکاری کشورهای منطقه استوار باشد. او معتقد است شکست تفاهم اخیر میان ایران و آمریکا، بیش از آنکه ناشی از فقدان اراده سیاسی باشد، نتیجه برداشت‌های متفاوت دو طرف از مفاد توافق، به‌ویژه درباره نحوه اداره و امنیت تنگه هرمز بود. به اعتقاد ظریف جنگ‌های اخیر چند فرضیه مهم آمریکا و اسرائیل را باطل کرد. آنان تصور می‌کردند که فشار نظامی گسترده می‌تواند ایران را وادار به تسلیم کند یا موجب فروپاشی نظام سیاسی آن شود. اما در عمل چنین اتفاق رخ نداد و ایران با وجود تحمل خسارت، توانست انجام سیاسی و تمامیت ارضی خود را حفظ کند و همین امر نشان می‌دهد که هیچ نظم امنیتی پایداری در منطقه بدون حضور و مشارکت ایران قابل شکل‌گیری نیست. بخش مهمی از مقاله به تنگه هرمز اختصاص دارد. ظریف می‌گوید ایران امروز این آبراه اصرافیک مسیر تجاری نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از امنیت ملی خود تلقی می‌کند. به اعتقاد او، تحریم‌های آمریکا عملاً آزادی کشتیرانی را برای ایران محدود کرده بود. در حالی که دیگر کشورها از آن بهره‌مند بودند. از این رو، پس از جنگ، تهران نسبت به عبور کشتی‌هایی که ممکن است در انتقال تجهیزات نظامی یا پشتیبانی از عملیات علیه ایران نقش داشته باشند، حساس تر شد. در عین حال این هندار هم مطرح شده است که نباید از ظرفیت تنگه هرمز به شکلی استفاده کرد که کشورهای دیگر را علیه خود متحد کند. این رویکرد در درازمدت به زیان منافع ایران خواهد بود

سیاست

بحران فرسایش اعتبار تعهدات آمریکا

وقتی توافقی‌ها دوام نمی‌آورند

«اعتماد، از رایج دیپلماسی»؛ توصیفی بود که «جورج شولتز» وزیر اسبق خارجه آمریکا از دیپلماسی داشت و «هنری کسینسجر» نظریه‌پرداز شهیر آمریکایی هم معتقد بود «اعتماد جایگزین راهبرد نیست اما هیچ راهبردی بدون اعتبار و قابل اعتماد بودن موفق نخواهد شد». اصولی که گرچه از تریبون دولت‌های مختلف در ایالات متحده آمریکا در یک قرن اخیر به کرات شنیده می‌شد و همزمان کمتر به آن عمل می‌شد اما در دولت دونالد ترامپ با شدت بیشتری به سخره گرفته شده و عملاً جای خود را به تعهدات امضاشده اما بی‌ارزش و روند‌های تخریب‌شده دیپلماتیک داده است. مهم‌ترین نشانه چنین مسئله‌ای یادداشت تفاهم اسلام‌آباد است که در آستانه یک ماهگی، با اقدامات آمریکایی اثر و بی‌اعتبار شده است. توافقی که در یکی از بحرانی‌ترین مقاطع روابط دو کشور، یعنی در آتش‌بس از جنگی ۴۰ روزه نوشته شد و قرار بود حداقلی از اعتماد را برای ایران ایجاد کند تا تهران را برای گفت‌وگو درباره موضوعات هسته‌ای و آمریکا را برای رفع تحریم‌های ایران دوباره پشت میز مذاکره قرار دهد. دوام این توافق را گرچه رژیم اسرائیل از همان روزهای نخست به چالش کشید اما اقدام آمریکا در خلیج فارس و در رابطه با تنگه هرمز مهم‌ترین دلیل بی‌اثر شدن این تفاهم بود. آمریکا با نقض بند ۵ یادداشت تفاهم که درباره ترتیبات عبور و مرور در تنگه هرمز بود و به تبع آن سایر بندهای مندرج در این سند، در عمل نشان داد که گرچه توافقات به‌طور عام و این توافق به‌طور خاص بر پایه متن‌های حقوقی و بر مبنای نیازهای دو کشور در شرایط خاص نوشته می‌شوند اما تداوم آنها بیش و پیش از هر تغییر دیگری به این وابسته است که طرفین تا چه اندازه به اجاری تعهدات یکدیگر باور داشته باشند و دقیقاً به همین دلیل است که این اعتماد به اعتقاد نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت و ثبات در روابط میان دولت‌های مستقر است.

◀ **تکرار نقض تعهد**

نقض تعهد در تفاهم اسلام‌آباد به گواه راه طی شده میان ایران و آمریکا دست‌کم در دوده‌گذاشته، موضوعی جدید و غیرمرسوم در این روابط نبوده است. ترامپ بیش از این نه تفاهم که توافقی را از اعتبار ساقط کرد که بسیاری از تحلیلگران، سیاستمداران و افکار عمومی جهان، آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین توافقات دیپلماتیک قرن، به‌منظور پایان دادن به مناقشه هسته‌ای ایران و غرب می‌شناختند. خروج از برجام و نقض تعهد و بندهای یادداشت تفاهم اسلام‌آباد، بمباران ایران در میانه مذاکرات هگنی از زوایای مختلف حقوقی-سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده دوران ترامپ است. الگویی که با توافق آغاز می‌شود، پس از بهره‌برداری اولیه از آن و تغییر شرایط، فشار بر طرف مقابل با جاشنی زیاده‌خواهی افزایش و این فشار تا زمان خروج از توافق ادامه می‌یابد. الگویی که تکرار آن در هر مرحله از زوایای مختلف حقوقی-سیاسی و دیپلماتیک آمریکا را زیر سوال برده و این پرسش مهم را ایجاد می‌کند که آیا نقض قواعد بین‌الملل و تفاهمات و توافقات امضاشده، مختص دونالد ترامپ است یا این رویه‌ای سیستماتیک در ساختار سیاسی خارجی آمریکا است؟ نگاه خوشبینانه ترامپ را در میان روسای جمهور و دولت‌های آمریکا استننا تعریف می‌کند. اما دست‌کم برای تهران این نگاه در طول نزدیک به ۵ دهه‌گذاشته اثبات شده است که حتی با تغییر دولت، نگاه راهبردی آمریکا نسبت به ایران تغییر اساسی نکرده است. از این روست که رهبر انقلاب پس از بدعهدی جدید کاخ سفید در قبال توافق اسلام‌آباد به صراحت اعلام کرده‌اند: «نقض عهد‌های مکرر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضاشده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا بار دیگر این حقیقت را به‌همگان ثابت کرد که ایران و آمریکا در ساختار سیاسی-تجارتی و ناامتنار است و زورگوئی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزاء اینفک مرام و مسلک آمریکایی می‌باشد. امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تااین تجربه تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغ‌گوئی، غیرمنطقی و غیر قابل اعتماد و پلید بودن آمریکا باشد».

◀ **بی‌اعتباری آمریکا**

تفاهم اسلام‌آباد امضای رئیس‌جمهور آمریکا را در پای خود داشت و توافق برجام مورد تأیید دولت این کشور بود. ایران پیش از آغاز جنگ‌های ۱۷ و ۴۰ روزه، با نمایندگان و فرستادگان رئیس‌جمهور ایالات متحده در حال گفت‌وگو بود که بمباران شد؛ این گزاره‌های خبری چند سال اخیر، که ده‌های پارتی هستند که روند فرسایش اعتبار اسلام‌دست‌کم در برابر جمهوری اسلامی ایران را روایت کرده و یک علامت سوال مهم را به وجود می‌آورد که چگونه می‌توان با دولت، رئیس‌جمهور و کشوری به مذاکره و دیپلماسی گذراند که پیش از این چنین مسیر دیپلماتیک و نتایج آن را نابود کرده است؟ آیا در روندهای آینده می‌توان به هرگونه مذاکره و تضمین‌های و تعهدات طرف مقابل اعتماد و اطمینان کرد؟ این نه فقط پرسش افکار عمومی که سوال بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی و حتی اعضای هیات حاکمه دولت آمریکا هم بود و است؛ بسیاری از آنها مانند «فلیپ گوردون» مشاور پیشین کاخ سفید در امور خاورمیانه و از اعضای شورای روابط خارجه آمریکا، در همان سال‌های خروج ترامپ از برجام در مقالات و یادداشت‌های خود به صراحت اعلام می‌کردند که این تصمیم اعتبار آمریکا را نزد متحدان و طرف‌های مذاکره تضعیف کرده و دست‌بایی به توافقی‌های آینده را دشوارتر می‌کند. وقتی واشنگتن از توافقی که خود امضاکرده خارج تضمین‌های سخت‌گیرانه‌تر خواهد شد. ترتیبا پاریسی در چندین مقاله در فارن افرز استدلال کرده است که خروج یکجانبه آمریکا از برجام باعث شد ایران و بسیاری از بازیگران بین‌المللی به این نتیجه برسند که مشکل اصلی، متن توافق نیست، بلکه قابلیت اتکای آمریکا به عنوان شریک مذاکره است.